

چرایی ترور سرلشکر قرنی

محمد حسن روزی طلب

نویسنده و پژوهشگر



ظهر روز دوشنبه سوم اردیبهشت ۱۳۵۸، سرلشکر محمدولی قرنی که عنوان اولین ریاست ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران را داشت، ترور شد و به شهادت رسید. به فاصله اندکی، گروهک فرقان طی اعلامیه‌ای، مسئولیت این ترور را برعهده گرفت.

چرایی انتخاب سپهبد قرنی به عنوان اولین هدف ترور گروه فرقان را گرچه بسیاری به مسأله ضلع زور از مثلث زر و زور و تزویر مربوط می‌دانند اما به نظر می‌رسد کینه و نفرت گروه‌های چپ از سپهبد قرنی ریشه تاریخی داشته باشد؛ چراکه محمدولی قرنی در زمان تصدی رکن دوم ارتش، شبکه افسران حزب توده را پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ کشف و منهدم کرده بود و این مسأله‌ای نبود که گروه‌های چپ از آن بگذرند.

مقابله با بحران کردستان
با استقرار محمودولی قرنی در ستاد کل ارتش، نشانه‌های بحران کردستان آشکار شد. با شدت گرفتن درگیری ارتش و گروه‌های مسلح به رهبری عزالدین حسینی که خواهان تشکیل جبهه بزرگ خلق کرد و در واقع تجزیه کشور بودند، امام خمینی پیام مهمی درباره درگیری‌های سنندج صادر کردند. در بخشی از این پیام شدیدالحن آمده بود: «مردم کردستان و سایر نقاط باید بدانند که هرگونه حمله به ارتش و ژاندارمری از نظر ما مردود است و ما با برادران اهل سنت خود هیچ اختلافی نداریم.» ایشان در ادامه فرمودند: «نیروهای مسلح باید با قدرت از منافع و مصالح ملت مسلمان دفاع کنند و هرگونه حمله‌ای را به خود و نوامیس مردم با قدرت دفع نمایند.»

ابلاغ پیام امام خمینی توسط سرلشکر محمدولی قرنی به سرهنگ سلطان اسحاق، معاون لشکر ۲۸ سنندج، نظامیان را بر آن داشت که به هر نحو ممکن پادگان سنندج را از خطر سقوط نجات دهند. بنابراین با قاطعیت سرلشکر قرنی و مقاومت مدافعان

پادگان که تا ۲ فروردین سال ۵۸ ادامه یافت، حلقه محاصره پادگان شکسته و مانع سقوط آن شد. این درگیری‌های شدید که سبب کشته شدن صدها نفر شده بود، موجب شد تا در اولین روز فروردین ۱۳۵۸ هیأت بلندپایه شورای انقلاب و دولت موقت با حضور شهید بهشتی، اکبر هاشمی رفسنجانی، ابوالحسن بنی‌صدر، احمد صدراحاج سیدجوادی وزیر کشور و دولت موقت به ریاست آیت‌الله طالقانی، راهی سنندج شود.

مقابله با سازشکاری دولت موقت
صبح روز ۲ فروردین ۱۳۵۸ مذاکره هیأت اعزامی از تهران با اعضای گروه‌های مسلح شروع شد و همزمان اجتماع چند ده هزار نفری از مردم در سنندج برگزار شد که در آن شیخ عزالدین حسینی و غنی بلوریان سخنان تندى ایراد کردند و زمانی که احمد صدراحاج سیدجوادی وزیر کشور قرار بود سخنرانی کند، جنگنده‌های نیروی هوایی اقدام به گشتزنی و شکستن دیوارهای صوتی بر آسمان سنندج کردند. دلیل این

شهید قرنی در دوران انقلاب و قبل از انقلاب

در طول سال‌های خدمت خود (۱۳۱۳-۱۳۳۷)، یعنی حدود ۲۴ سال، مصدر خدمات و مشاغل مهمی بوده که در تمامی این مشاغل، شایستگی و لیاقت خود را به نمایش گذاشته است. آخرین سمت ایشان پیش از اخراج از ارتش، ریاست رکن ۲ و معاونت ستاد ارتش بوده است. این شغل، باتوجه به موقعیت زمانی و وضعیت ارتش پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، شغل بسیار مهمی بوده که هرکس قادر به تصدی آن نبوده است.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ خورشیدی و تغییرات همه‌جانبه در کشور، ارتش نیز دستخوش تغییرات زیادی شد که از جمله آنها روی کار آمدن افسرانی همچون تیمور بختیار، کیا، علوی مقدم و... بود که افرادی فاسد، متملق، چاپلوس، سرسپرده و خودفروخته بودند و سرانجام، با وجود برخورداری از همه‌گونه امکانات و امتیازات، به‌ولی نعمت خود نیز خیانت کردند، وجود این اشخاص، آزادی عمل آنان و آنچه از فساد و تباهی انجام می‌دادند، برای افسر خوش نام، پاک و درستی چون قرنی قابل تحمل نبود. شغل حساس قرنی ایجاب می‌کرد تا وی بنا به مسئولیتی که داشت، چهره حقیقی این اشخاص را به شاه بنمایاند و او را از آنچه اینان می‌کردند، آگاه سازد. اما شاه که خود با حمایت و پشتیبانی این افراد، در جریان کودتای ۲۸ مرداد به ایران بازگشته و مجدداً به سریر قدرت نشسته بود، طبیعتاً حاضر نبود استدلال قرنی را بپذیرد؛ چه آنکه می‌دانست اگر باز هم تخت سلطنت وی تهدید بشود، افرادی نظیر بختیار و امثال وی- به خاطر منافع فردی خودشان- دوباره او را به قدرت بازخواهند گرداند. از این رو، قرنی در وضعیت بدی قرار گرفته بود. از یک سو منویات درونی‌اش را برای شاه آشکار و از سوی دیگر، خود را به دشمنان معرفی کرده بود. در این ایام قرنی، باوجود تصدی شغل معاونت ستاد ارتش، حداقل به‌عنوان مخالف امرای ارشد نظام شاهنشاهی، آن هم در سطح ارتش خود را نشان داده بود. ولی او از این حوادث و اتفاقات کوچک‌ترین ترسی به خود راه نمی‌داد و چون خود را در جبهه حق می‌دید، اطمینان به پیروزی حق و نابودی باطل داشت. حوادث و رویدادهای بعدی، قرنی را در انجام آنچه می‌خواست، مصمم‌تر کرد. او به این نتیجه رسیده بود که باید این شجره خبیثه را از ریشه قطع کرد و برای این کار پیش‌بینی‌های لازم را نیز انجام داد. سرانجام وی تصمیم گرفت تا نیت خویش را عملی سازد. وی معتقد بود که «شاخه نظامی ناراضیان آماده است... اقدامات در ارتش با من؛ اغلب افسران جزء از ستوان دومی تا سرهنگ دومی ناراضی هستند...» (نوروزی فرسنگی، ۱۳۸۳)

اقدام سرلشکر قرنی، کودتا بود و ظاهرآ از همه جوانب هم شرایط فراهم شده بود، اما در شگفتی تمام کودتا «لو» رفت و اغلب قریب به اتفاق عواملش، از جمله سرلشکر قرنی دستگیر شدند.



شهاب‌الدین اشراقی، مکارم شیرازی، سید احمد خمینی در مراسم سپهبد قرنی

وی دارای امتیازاتی به این شرح بوده است: آجودان مخصوص شاه و دارای نشان لیاقت درجه ۲ و ۳، نشان همایون درجه ۲، نشان دانش درجه ۲ و ۳، نشان افتخار درجه ۳ و ۱ و شش ماه ارشدیت. همچنین تشویقاتی چون تقدیر در فرمان همگانی ارتش (۳ نوبت)، تقدیر در دستور قسمتی و کتبی (۴۳ نوبت) نیز داشته است. چنان که پیش از این گفته شد، شهید قرنی

استخراج شده، نقطه پایانی است بر این دوره از زندگانی وی. مشاغل مهم: کفیل فرمانده گردان ۲ هنگ ۴ توپخانه، فرمانده گردان ۱۰۵، رئیس رکن دوم ستاد مرکز تعلیماتی آمادگاه، فرمانده پارک توپخانه لشکر ۲، رئیس رکن سوم لشکر ۲ مرکز، رئیس ستاد لشکر ۲، معاون اداره دوم سررشته‌داری ارتش، فرمانده تیپ مستقل رشت، رئیس رکن دوم و معاون ستاد ارتش.

استعدادی سرشار برخوردار بود، چنان که در دبیرستان نظام، میان ۳۲ تن از همکلاسان خود- که همه برگزیده بودند- نفر دوم و در دانشکده افسری هم با معدل ۱۷/۶۸ نفر سوم شد. (نوروزی فرسنگی، ۱۳۸۳) صداقت و پاکدامنی از ویژگی‌های بارز آن شهید است. یک فرم ارزشیابی خدمتی از ایشان در پرونده‌اش باقی است که خود مؤید این ادعا است. فرم مذکور در سال ۱۳۲۴ تنظیم شده و ۴۳ خصوصیت اخلاقی و رفتاری در آن ارزشیابی شده است. در تمام موارد در جدول فرم پیش گفته، نسبت به ایشان نظری درج‌ده عالی داده شده است. این امر نشانگر میزان صداقت، درستی، پاکسی و خلوص اوست که تربیت عالی وی را ثابت می‌کند، این خصوصیات تا پایان زندگی در وجود شهید باقی بود، به‌طوری که از وی شخصیتی ستودنی ساخته بود، طوری که حتی در موارد بازجویی، کسی به خود اجازه نمی‌داد نسبت به ایشان اسائه ادب روا داشته یا گستاخی کند. مشاغل مهمی که شهید قرنی در طول خدمت خود عهده‌دار بوده و از خلاصه وضعیت خدمتی‌اش

زندگی خدمتی شهید قرنی
شهید قرنی در سال ۱۲۹۲ خورشیدی، در خانواده‌ای متوسط از منظر مادی و در عین حال باروحیه مذهبی، در تهران به دنیا آمد. وی سومین فرزند خانواده بود. پدرش، میرزا آقاخان نام داشت و از مدیران مخابرات تهران بود. به هنگام خردسالی‌اش، پدر چند سالی به شیراز منتقل شد و خانواده در شیراز اقامت داشت و مجدداً به تهران بازگشتند. اما پدر، در راه بازگشت، در آبادیه بیمار شد و به سبب همان بیماری از دنیا رفت. به هنگام فوت پدر، شهید قرنی ده سال بیشتر نداشت. خانواده‌اش یک سال در اصفهان اقامت گزید و وی تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان گل بهار اصفهان به اتمام رساند. پس از بازگشت به تهران، تحصیلات متوسطه‌اش را در دبیرستان دارالفنون آغاز کرد و در دبیرستان نظام ارتش به پایان رساند. در سال ۱۳۰۹ وارد دانشکده افسری شد و در سال ۱۳۱۳ با درجه ستوان دومی، در رشته توپخانه فارغ‌التحصیل گردید. وی از هوش و



شغل حساس قرنی ایجاب می‌کرد تا وی بنا به مسئولیتی که داشت، چهره حقیقی این اشخاص را به شاه بنمایاند و او را از آنچه اینان می‌کردند، آگاه سازد. اما شاه که خود با حمایت و پشتیبانی این افراد، در جریان کودتای ۲۸ مرداد به ایران بازگشته و مجدداً به سریر قدرت نشسته بود، طبیعتاً حاضر نبود استدلال قرنی را بپذیرد